

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نوشتۀ ژان پی یر دوبوا - [Jean-Pierre Dubois](#)

برگردان از: حمید محوی

۱۵ مارچ ۲۰۱۳

امپریالیسم: مبارزه علیه آن و یا در تبانی با آن



Auguste Blanqui

مبارزه ضد کلونیالیستی در فرانسه هرگز موفقیتی کسب نکرده است. چنین واقعیتی بی گمان به شرایط ایدئولوژیک (غالباً نژاد پرستانه) بستگی دارد که بورژوازی همواره قادر به ایجاد آن بود تا افکار عمومی را در مورد اعتبار قانون اساسی و ضرورت حفظ امپراتوری کلونیال متقاعد سازد.

چنین موضوعی در عین حال به واقعیت دیگری نیز بستگی دارد که کمتر از موردی که در بالا به آن اشاره کردیم شناخته شده است، که نیروهای امپریالیستی پا به پای گسترش مرزها و فتوحاتشان خواهان اطمینان حاصل کردن از صلح داخلی در خانه خودشان هستند. و به شکلی که عمل می کنند که بخش مهمی از مردم فرانسه از درآمدهای کلونیال (استعماری) بهره مند شوند.



از پایان قرن نوزدهم، انگلس با تأسف می بیند که چگونه طبقه کارگر انگلیس با سیاست استعماری دولت خود متحد شده است. سال ۱۸۵۸، او درباره این مورد خاص می نویسد که طبقه کارگر بیش از پیش بورژوا مآب شده و چنین امری از

دیدگاه او کاملاً طبیعی به نظر می‌رسید [«لوژیک» (منطقی)] زیرا ملت آنها از «تمام جهان» (۱) بهره‌کشی می‌کرد. و بعداً اضافه می‌کند که کارگران انگلیسی «با خیال راحت از انحصارات کلونیال انگلستان و انحصارات آن در بازار جهانی بهره‌مند می‌شوند».

سال ۱۹۰۲ جان آتکینسون هابسون به این نتیجه می‌رسد که دولت‌هایی که دارای مستعمره هستند می‌توانند هم زمان طبقه حاکم را غنی نموده و طبقات پائینی را خریداری کرده و به بهره‌کاری عادت دهند «تا سر جایشان ساکت بنشینند». (۲)



روی این مسأله، لنین با نظریه هابسون موافق است و در اعلامیه مشهورش به سال ۱۹۱۶ (۳) از او نقل قول می‌آورد. از دیدگاه روسیه انقلابی، ایدئولوژی امپریالیسم و دفاع از سیاست سلطه جویانه آن بر تمام طبقات تأثیر گذاشته و در آنها نفوذ می‌کند، حتی بین طبقه کارگر.

او می‌نویسد: «نظام سرمایه‌داری وضعیت ممتازی را برای مثنی [...] از دولت‌های خاصه ثروتمند و صاحب قدرت فراهم ساخته که جهان را غارت می‌کنند [...] می‌بینیم که این منافع سرشار [...] خریداری کردن رؤسای کارگران و قشر بالائی آریستوکراسی کارگری را ممکن می‌سازد. و سرمایه‌داران کشورهای پیشرفته آنها را با هزار ترفند مستقیم و غیر مستقیم، آشکار و استتار شده، به انحراف می‌کشند».

برای دستیابی به چنین سازوکار تبهکارانه‌ای، لنین توضیح می‌دهد که بورژوازی «هزار شیوه» را به کار می‌بندد، از جمله «ایجاد هزاران پست بی‌فایده برای رهبران اتحادیه‌ها، سندیکاها، رؤسای پارلمان».

این همان بهره‌کاری است که هانا آرنت بعدها آن را تقسیم «دانه‌های بانک امپریالیستی» می‌نامد. (۴)

سال ۱۹۱۹، نخستین کنگره کمونیسم بین‌المللی اجتماع منافعی را افشاء می‌کند که علیه ملت‌های استعمار شده بسیج شده و از سوی دیگر کارگران اروپائی و امریکائی را به «میهن» امپریالیستی وابسته می‌سازد.

جولای ۱۹۲۰، لنین دوباره به این موضوع باز می‌گردد: «چه عاملی می‌تواند روشن‌گر پافشاری و ماندگاری این تمایلات اصلاح طلبانه در اروپا باشد و چرا این گونه فرصت طلبی‌های اصلاح طلبانه در اروپای غربی قوی‌تر از روسیه است؟ پاسخ این است که این کشورهای پیشرفته همیشه توانسته‌اند شالوده فرهنگشان را بر اساس بهره‌کشی میلیارد‌ها انسان تحت ستم بنا کنند». (۵)



جامعه شناس برزیلی امیر صادر (۶) نیز در تفسیر نظریات لنین نشان می دهد که چگونه بخش گسترده ای از طبقه کارگر در کشورهای سرمایه داری پیشرفته برای «منافع ملی» دولت امپریالیستی خودشان و به بهای زیر پا نهادن منافع ملت های زیر سلطه ارجحیت قائل شده اند. به عبارت دیگر، نزد آنان، همبستگی ملی از همبستگی بین المللی پیشی گرفته است.

از دیدگاه امیر صادر «موضوع ملی طی قرن بیستم به عنوان یکی از ابهام آمیز ترین مسائل مطرح بوده است. زیرا اگر در کشورهای حاشیه ای کمابیش با خصلت های عمیق ضد امپریالیستی، واکنش و مقاومت در رویارویی با سلطه جوئی آمیخته بود، کاملاً به عکس در مراکز سرمایه داری، در اشکال تمایلات شوینیستی تبلور یافته است».

امروز، مانند دوران امپراتوری استعماری، فرانسوی ها در طیف های وسیعی، اکثراً ماجراجوئی های جنگی دولتشان را در لیبیا، ساحل عاج، مالی و غیره به راحتی می پذیرند. در عین حال، احزاب چپ نه تنها از مخالفت قطع نظر کرده اند بلکه غالباً با الفاظ بشر دوستانه (۷) حقانیت سیاست های جنگ طلبانه کشور امپریالیست فرانسه را تأیید می کنند.

آیا ما دیگر هیچ چیزی از مبارزه سیاسی و نوشته های نظریه پردازانه لنین و رفقای او نمی توانیم بیاموزیم؟

ژان پی یر دوبوا



(۱) انگلس به مارکس می نویسد: «[...] پرولتاریای انگلستان بیش از پیش بورژوا مآب شده، و این گونه به نظر می رسد که این ملت، بورژوا بین بورژواها، می خواهد در کنار بورژوازی جایی داشته باشد، آریستوکراسی بورژوا و پرولتاریای بورژوا. روشن است که از دیدگاه ملتی که از تمام جهان بهره کشی می کند، تا حدودی منطقی است».

[2] John Atkinson Hobson, *Impérialism, A Study*, 1902.

[3] Lénine, *L'impérialisme, stade suprême du capitalisme*.

[4] Hannah Arendt, *Les origines du totalitarisme, L'impérialisme*, Ed. Fayard.

[5] IIème Congrès de l'Internationale communiste.

(۶) امیر صادر دیپلمه از دانشگاه سائو پائولو (فلسفه و علوم سیاسی). استاد رویکردهای مارکسیستی، او عضو شورای تحریریه مجله انگلیسی «نیو لغت ریویو» بوده است....

(۷) شیوه بیانی و اصطلاحی که در قطعنامه نخستین کنگره کمونیسم بین المللی به کار برده شد، به روشنی آشکار ساخت که کنفرانس برن در پی سیاستمداران بورژوا – لیبرال استعمار مدار است که بهره کشی و لگد کوب کردن مناطق استعماری را توسط بورژوا امپریالیستها توجیه می کند و تنها می خواهد آن را با نقابی از الفاظ بشر دوستانه بپوشاند». کنفرانس برن تلاشی بود از سوی احزاب سوسیال دموکرات برای باز زائی دومین انترناسیونال.



از این نویسنده پیش از این منتشر شده است

(۱) برای پایان بخشیدن به اسطوره کندی

<http://www.afgazad.com/Hoghogh-Bashar/030713-T-HM-Baraaye->

[Paayaan-Bakhshiedan.pdf](#)

گاهنامه هنر و مبارزه

۱۲ مارچ ۲۰۱۳

مرکز مطالعات جهانی سازی ۱۱ مارچ ۲۰۱۳

مضمون « تاریخ، جامعه و فرهنگ

<http://www.mondialisation.ca/imperialisme-le-combattre-ou-en-etre-complice/5326104>

منبع اصلی

[Le Petit Blanquiste](http://lepetitblanquiste.hautetfort.com/)

<http://lepetitblanquiste.hautetfort.com/>

امپریالیسم : مبارزه علیه آن و یا در تبانی با آن